

## دگر بار درباره نویسنده‌گی ملک‌خان<sup>۱</sup>

آرام بوداگیان

ترجمه تورج خسروی<sup>۲</sup> و عارفه کنی فرد<sup>۳</sup>

کتابی که تحت عنوان *چهار تیاتر*<sup>۴</sup> در سال ۱۹۸۰/ [۱۳۵۸ ش.]<sup>۵</sup> در تبریز انتشار یافت ما را مجبور نمود دوباره به مسأله نویسنده‌گی ملک‌خان، دیپلمات ایرانی، شخصیت سیاسی و از ارمنیان نامی جلفای [اصفهان] بپردازیم. این کتاب شامل سه اثر از ملک‌خان و یک نمایش‌نامه از نویسنده‌ای ناشناس بود. در این زمان محققانی همانند آ. ابراهیموف، س. علیزاده، م. مبارز و خ. ممدزاده<sup>۶</sup> که بیهوده تلاش می‌کردند تا اثبات کنند ملک‌خان اصلاً نویسنده نمایش‌نامه‌ها نبوده، دوباره پیدا شدند و آن‌ها را به میرزا آقا نسبت دادند. آنان این بار (برای مثال حسین ابوالفضل)<sup>۷</sup> که ابطال کشف علمی جدید خود را حس می‌کردند، برای نویسنده آثار کم‌دی ملک‌خان، نام جدید میرزا آقا تبریزی را ابداع نمودند.

در مقاله پیشین با عنوان «درباره مسأله نمایش‌نامه‌های ملک‌خان»<sup>۸</sup> ما به تفصیل درباره این موضوع صحبت کردیم و نیازی به تکرار آن نیست، اما لازم است که دگر بار تأکید کنیم که میرزا آقا، نام یک شخصیت تاریخی نیست بلکه یکی از چندین نام مستعار ملک‌خان است. م. مؤمنی در مقدمه کتاب *چهار تیاتر* با حمایت از نویسندگان یادشده در بالا و جعل حقایق تاریخی، تصدیق می‌کند که نمایش‌نامه‌های چاپ‌شده متعلق به قلم م. آ. تبریزی است. در

---

<sup>۱</sup>. اصل این مقاله به زبان روسی با عنوان زیر و در روزنامه علوم اجتماعی (۱۳۶۱/۱۹۸۳) در ایروان به چاپ رسیده است.  
МАЛЬ КОМ-ХАНА АВТОРСТВЕ ОБ ВОПРОСУ К РАЗ К, (1983) ЕЩЕ А. А. БУДАГЯН  
*Լրագիր Հասարակական Գիտությունների.*

<sup>۲</sup>. دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام، To\_khosravi@yahoo.com

<sup>۳</sup>. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد آموزش زبان روسی، akanifard@bk.ru

<sup>۴</sup>. تبریزی، میرزا آقا، *چهار تیاتر*؛ به کوشش محمد باقر مؤمنی؛ تبریز: نیل: ابن سینا، ۱۳۵۵. این اثر نخستین بار در سال ۱۹۷۶/۱۳۵۵ به چاپ رسیده است. احتمالاً چاپ دوم آن مورد نظر بوداگیان بوده است [مترجمان].

<sup>۵</sup>. توضیحات داخل [ ] از مترجمان است.

<sup>۶</sup>. «Trudy Instituta literatury i yazyka AN AzSSR», ser. Int-ry, t. 9, 1956.

<sup>۷</sup>. «Narody Azii i Afriki», 1963, № 6, s. 142—146.

<sup>۸</sup>. HSSH GA «Lraber» (Has. pit.), 1968, ej 92—101.

حالی که به‌گفته خود وی «درباره زندگی و فعالیت‌های او ما هیچ چیز دیگری به جز آنچه که او شخصاً نوشته است، نمی‌دانیم».<sup>۱</sup>

با مقایسه محتوای چهار نمایش‌نامه به این باور می‌رسیم که هیچ چیز مشترکی میان سه نمایش‌نامه اول با نمایش‌نامه چهارم به نام *عشق تلخ آقا هاشم خلخالی*<sup>۲</sup> وجود ندارد. این نمایش‌نامه هم از لحاظ محتوایی و هم از لحاظ ویژگی‌های سبکی با سه نمایش‌نامه دیگر متفاوت است و به نویسنده دیگری تعلق دارد.<sup>۳</sup> عنوان چهارمین نمایش‌نامه کاملاً با محتوای آن منطبق است. این نمایش‌نامه ماهیتاً یک درام عشقی ناکام و احساسات‌نه‌چندان عمیق دو عاشق [سارا و هاشم] است.

ماهیت کمدی‌های ملک‌خان کاملاً متفاوت است؛ در آنها صحنه‌های احساساتی و ملودرام نمایش‌نامه *عشق تلخ* وجود ندارد؛ دارای صحنه‌های ضعیفی هستند و به‌طور کلی از ضعف ساختاری شدیدی برخوردارند و تهی از ویژگی‌های هنری. کمدی‌های ملک‌خان، قبل از هر چیز، آثاری دارای هجوی تلخ در رابطه با حاکمان ایران و با هدف افشای واقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه آن زمان هستند. در این آثار ملک‌خان یک هدف مشخصی را پیش روی خود قرار داده است؛ نجات مردم از آن جهنم سوزان و انحطاط‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که مردم بی‌گناه در آن غرق شده بودند. ملک‌خان بی‌اندازه به وطن خود عشق می‌ورزید و برای روشنگری، باز کردن چشم توده‌های مردم و به نمایش گذاشتن پلیدی‌های اجتماعی، بی‌عدالتی، بی‌قانونی و خودکامگی حاکم بر جامعه فئودالی ایران تلاش می‌کرد. اندیشه‌های ملک‌خان در آثار و کارهای بعدی وی نیز همچنان به قوت خود باقی ماند. در صفحات *مجله قانون* که از سوی وی در لندن در طی سال‌های ۱۸۹۰-۱۸۹۳ / [۱۳۰۷-۱۳۱۰ق.] انتشار می‌یافت، به‌طرز خستگی‌ناپذیر و شگفت‌انگیز به نشر ایده‌آل‌های خود ادامه داد و اخلاقیات منحل جامعه فئودالی را به شدت مورد انتقاد قرار می‌داد و این امر بر تفکرات و ذهنیت نسل جوان تأثیر بسیار زیادی می‌گذاشت.

۱. چهار تیتر، مقدمه، ص ۲۰.

۲. عنوان اصلی این نمایش‌نامه / *ندوه سفرهای عاشقانه آقا هاشم خلخالی و ماجراجویی‌های وی*، است.

۳. مترجمان با این موضوع مخالف‌اند. زیرا هم خود ملک‌خان به *چهار تیتر* اشاره نموده و هم آخوندزاده نقد آن را به همراه سه نمایش‌نامه دیگر فرستاده است. بنا بر این جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمی‌ماند. [

در حقیقت مایه شگفتی است که محققانی که نفی‌کننده هنر نویسندگی ملک‌خان هستند، برخلاف عقل سلیم و وجود منابع تاریخی، بدون بهره‌گیری از روش‌ها و متدها تلاش می‌کنند که حق نویسندگی نویسنده واقعی را نادیده بگیرند و اثر کمدی وی را به میرزا آقا تبریزی، فردی گمنام در ادبیات، نسبت دهند. در مقاله ما در سال ۱۹۶۸/ [۱۳۴۶] اشاره شد که محمدبیک شاختاخینسکی در سال ۱۸۸۷/ [۱۳۰۴ ق.] متذکر شده بوده که: «ملک‌خان در اصل هجو سیاسی می‌نویسد»؛ نتیجه می‌گیریم که منظور شاختاخینسکی این بوده که کمدی‌های هجوآمیز وی در عین حال که اثبات‌کننده هنر نویسندگی ملک‌خان هستند، بر آن تأکید دارند که ملک‌خان مشخصاً در سه زمینه مسایل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، قلم می‌زد اما مقاله‌هایی در زمینه‌های دیگر هم داشته است.

در ادامه جستجوها در این مسیر موفق شدیم در نشریات ادواری و دیگر کارهای علمی، مستندات را که ثابت‌کننده هنر نویسندگی ملک‌خان است، پیدا کنیم.

آ. آلپویاجیان، مورخ معروف، در سال ۱۹۰۸/ [۱۳۲۵ ق.] راجع به مرگ ملک‌خان، در *روزنامه بوزاندیون* مقاله‌ای با عنوان «هویت در حال ناپدید شدن» چاپ کرد که با برشمردن مناصب ملک‌خان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، در ادامه صحبت‌های شاختاخینسکی تأکید می‌کند: «ملک‌خان آثار هجوآمیزی چاپ می‌کرد که در آنها به شدیدترین صورت ممکن تبعات زیان‌بار و فاجعه‌آمیز جهالت و ناآگاهی را به انتقاد می‌گرفت.»<sup>۱</sup> آلپویاجیان در اسنادی که در حال حاضر در ماتناداران نگهداری می‌شود نیز به شفاف‌ترین حالت می‌گوید: «وی همچنین آثار نمایشی به زبان فارسی می‌نوشت که تا مدت‌ها به شیوه لیتوگرافی چاپ می‌شد و در ایران توزیع می‌شد.»<sup>۲</sup> علاوه بر او، همچنین و. زارداریان روزنامه‌نگار، نیز خاطر نشان می‌کند: «ملک‌خان به بهترین و موفق‌ترین شکل با نشان دادن مسئولان دولتی در نقش‌های حاکمان جاهل، آن‌ها را به سخره گرفته است.»<sup>۳</sup>

ا. گ. براون، استاد برجسته ادبیات فارسی، هشت سال قبل از آن که آثار کمدی ملک‌خان در برلین چاپ شود، در کتاب خود با عنوان «نشریات و اشعار فارسی معاصر» می‌نویسد: «خلاصه داستان اشرف‌خان حاکم عربستان نوشته میرزا ملک‌خان در *روزنامه اتحاد*، به

1. «Byuzandion», 17, VII, 1908.

2. Matenadaran, d. 16, dok. 347, s. 119 b.

3. «Hishatakaran», Yereveli mardkants' kensagrut'yunner (1512-1933)», H. G. Kahire, 1934, ej 13-117.

صورت ضمیمه و یا پانوشت ستون‌ها، به چاپ می‌رسید. این داستان در چهار پرده حاکم رژیم مستبد گذشته را در خنده‌دارترین و جذاب‌ترین شکل ممکن به تصویر می‌کشید.<sup>۱</sup> وی همچنین در ادامه می‌نویسد: «سه نمایش‌نامه... ملکم‌خان... به صورت بخش‌بخش، و به طور خلاصه در روزنامه تبریزی/تحداد در سال ۱۳۲۶/۱۹۰۸ چاپ شده است. این آثار به صورت کامل در برلین در سال ۱۳۴۰/۱۹۲۲-۱۹۲۱ به چاپ رسیده‌اند که کپی آنها در کتابخانه ف. روزن، دانشمند و دیپلمات معروف، موجود است. این نمایش‌نامه‌ها عبارت‌اند از: ۱- ماجراهای اشرف‌خان، حکمران عربستان، در زمان اقامت وی در تهران، ۲- شیوه‌های حکمرانی زمان خان بروجردی و ماجراهای وی، ۳- داستان سفر شاه قلی‌میرزا به کربلا و ماجراهای وی در زمان اقامتش در کرمانشاه در نزد حکمران آن جا شاه مراد میرزا.»<sup>۲</sup>

ا. زاوریان در مقاله «انقلاب ایران و ملکم‌خان» ضمن اشاره به مبارزه ملکم‌خان برای اصلاح سیستم فئودالی مرتجع و نیز ضرورت برچیدین خودکامگی و اعمال غیرقانونی حکمرانان حریص ایرانی، تأکید می‌کند که او در تلاش برای ایجاد اصلاح و بهبود وضع ملت بوده است. ایشان در پایان مقاله خود اضافه می‌کند: «ملکم‌خان به جز آثار سیاسی، این افتخار را داشت که اولین نمایش‌نامه‌نویس ایران باشد که از آنها برای ترویج ایده‌هایش استفاده می‌کرد. اما نمایش‌نامه‌هایش از نظر موضوع توسعه، گسترش و پروراندن آن و نیز ساختار هنری در سطح عالی نیستند و به شدیدترین شیوه ممکن رذایل طبقات عالی جامعه و سیستم اداری را مورد سرزنش قرار می‌دهد. نمایش‌نامه‌های وی... به شیوه لیتوگرافی و در سطح گسترده‌ای هم در میان جامعه ایرانی انتشار یافت و هم برای اولین بار در برلین در سال ۱۹۲۲ / [۱۳۴۰] به چاپ رسید.»<sup>۳</sup>

ا. المار، تاریخ‌دان، در اثر خود با عنوان بی‌پیرم که در اصل به فعالیت‌های ملکم‌خان اختصاص داده شده است، تأکید می‌کند: «ملکم‌خان همچنین نمایش‌نامه می‌نوشت. این نمایش‌نامه‌ها به وسیله طنز تلخ خود و محتوای انتقادی‌شان خودکامگی و استبداد حکومت و حکمرانان و بدبختی ملت را به نمایش می‌گذاشتند.»<sup>۴</sup> به عقیده این نویسنده، نمایش‌نامه‌های ملکم‌خان به لحاظ ساختار و ویژگی‌های هنری ضعیف بوده‌اند. اما ارزش و اهمیت آنها در این بوده است

1. Press and Poetry of Modern", Cambridge, 1914. p. 34.

2. A Litterary History of Persia, vol. IV, Cambridge, 1928, p. 463.

3. «Vem», Pariz, 1935, N 4, ej 24.

4. H. Elmar, Yeprem, Tehran, 1964, ej 94.

که در آنها ایده آل‌های منحصر به فرد ملک‌خان، اولین نمایش نامه‌نویس فارسی، منعکس شده است.

اسماعیل راین، تاریخ‌دان برجسته و نامی ایران، در کتابی که به فعالیت‌های ملک‌خان اختصاص دارد، می‌نویسد: «چنین کتاب‌هایی که متعلق به خامه ملک‌خان است، منتشر شده‌اند: سرگذشت اشرف‌خان حاکم عربستان در ایام توقف او در تهران در سال ۱۲۳۲، شیوه‌های حکومت زمان خان بروجردی و سرگذشت آن ایام در سال ۱۲۳۴ هجری، و حکایت کربلا رفتن شاه قلی‌میرزا و سرگذشت ایام توقف چندروزه در کرمانشاهان نزد شاه مراد میرزا حاکم آنجا.»<sup>۱</sup>

اکنون در نزد ما مطالب بسیاری از منابع ارمنی و فارسی که اثبات‌کننده بی‌چون و چرای تعلق نمایش‌نامه‌های نام‌برده شده به قلم ملک‌خان هستند، وجود دارد. گمان می‌رود استدلال‌هایی که از نویسندگان مختلف برای برطرف کردن هرگونه شک درباره نویسنده‌ی ملک‌خان آوردیم، کافی باشد. بسیاری از نویسندگان ذکر شده از هم‌عصران ملک‌خان بوده‌اند و به خوبی از تعلق نمایش‌نامه‌های مذکور به قلم ملک‌خان آگاهی داشتند.

سرانجام م. آخوندوف، در متن سخنرانی خود به‌عنوان رئیس دیپارتمان اداره مرکزی ن. بارانوسکی که در ماه سپتامبر سال ۱۸۸۸ برگزار شده است، می‌نویسد: «برای چند روز ملک‌خان دوست اشرف‌زاده ارمنی من، مشاور سفارت ایران در استانبول، شرق‌شناس و نویسنده معروف، که به کارهای من علاقه‌مند است و کاملاً با نظر من در مورد تغییر الفبای عربی موافق بود، [نزد من بوده است].»

م. آخوندوف ملک‌خان را نویسنده می‌نامد اما برای من جالب است که بدانم مخالفان نویسنده‌ی ملک‌خان واژه نویسنده را چگونه درک و توضیح می‌دهند؟ فکر نمی‌کنم که آنان شخصی را که آثاری در مورد مسایل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به نگارش درمی‌آورد، نویسنده بنامند. اگر آخوندوف با نمایش‌نامه‌های ملک‌خان آشنایی نداشت، بعید بود که او را نویسنده بنامد. مشخص است که دیدار این روشنفکر بزرگ با ملک‌خان در سال ۱۸۶۳ / [۱۲۷۹ق.] در استانبول انجام شده است. یعنی زمانی که دیگر نمایش‌نامه‌ها نوشته شده بودند و یا در حال نوشته شدن بودند، همان‌طور که دکتر کامشاد این مسئله را تأیید می‌کند. با

۱. اسماعیل راین، میرزا ملک‌خان، تهران، ۱۳۵۰، ص ۱۴۱.

تمام این اوصاف، ما به این حقایق واضح اکتفا نکرده و سعی کردیم هرگونه شک درباره نویسنده‌گی ملکم خان را برطرف کنیم. بنا بر این نامه‌ای به محمد محیط طباطبایی<sup>۱</sup>، استاد معروف ایرانی و پژوهشگر معروف آثار ملکم خان، نوشتم و به آقای ا. ادگار یان، فعال فرهنگی ارمنی ساکن تهران فرستادیم و از او درخواست نمودیم شخصاً با استاد دیدار کند. این ملاقات انجام شد. آقای ادگار یان با پرفسور مصاحبه کرد و متن مصاحبه را، که به دست وی امضا و تأیید شده بود، برای ما فرستاد. از پروفیسور طباطبایی پرسیده بودم که آیا حقیقت دارد که گاهی ملکم خان با نام مستعار **میرزا آقا** شناخته می‌شد؟ وی تأیید کرده بود: «بله، در این مورد من از مرحوم تقی‌زاده که به عنوان منشی سفارت ایران در لندن کار می‌کرد و دوست بسیار نزدیک ملکم خان بود، شنیده‌ام که گاهی با نام مستعار میرزا آقا شناخته می‌شد. من حتی فکر می‌کنم که در *روزنامه اتحاد* که آثار وی به صورت خلاصه چاپ می‌شد، ملکم خان به نام میرزا آقا شناخته می‌شد.»

این نظرات حقایق موجود است و آن چه که «کشف علمی جدید» نامیده می‌شود مسئله‌ای بی‌اساس و ساخته ذهن مخالفان نویسنده‌گی ملکم خان محسوب می‌شود.

---

<sup>۱</sup> استاد محیط طباطبائی (متولد ۱۲۸۰ - درگذشته ۱۳۷۱) مورخ و ادیب بود. وی مقاله‌های فراوانی در زمینه‌های تاریخی و ادبی در نشریات معتبر منتشر نموده است. ایشان علاقه فراوانی به نوشتن مقالات متعدد در مورد موضوعی خاص داشتند. از جمله آنها می‌توان مجموعه مقالات او در مورد سید جمال‌الدین اسدآبادی، فردوسی، گلستان سعدی، دیوان حافظ، خیام، اعزام محصل به اروپا، محمد زکریای رازی و تاریخ تحلیلی مطبوعات نام برد. اما مهم‌ترین اثر طباطبائی گردآوری مجموعه آثار میرزا ملکم خان است. [م]